

مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری

چکیده

مطالعه و شناخت تحلیلی نقش وقف در تشکل فضاهای عمومی شهری ضمن ریشه‌یابی مفهوم وقف، چهارچوب مناسبی را برای بررسی نقش وقف و یک مجموعه وقفی نمونه در تشکل فضاهای عمومی شهری فراهم آورده است. برخی فضاهای وقفی از جمله اصلی‌ترین و مهم‌ترین اجزاء و عناصر کالبدی یک شهر هستند و رابطه بسیار نزدیکی بین ماندگاری و موقوفه بودن آنها وجود دارد. سواى ارزش‌های بسیار والای مذهبی، اجتماعی و اقتصادی نهفته در فرهنگ غنی وقف، تأثیر آن در تشکل و تولید فضاهای عمومی و کالبدی شهری، یکی از موضوعات مهم در پژوهش شهرسازی می‌باشد. هدف اصلی این تحقیق ایجاد یک چهارچوب نظری به منظور فراهم ساختن یک روش تحقیق مناسب جهت بررسی نقش وقف در تشکل فضاهای عمومی شهری از طریق مطالعات نظری و تعمیق بخشیدن به آن با انجام مطالعه مجموعه‌های وقفی است. کلید واژه‌ها: وقف، فضاهای عمومی شهری، مذهب.

مقدمه

در این مقاله مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری در چهار قسمت اصلی مطرح می‌شود. در قسمت اول عوامل مؤثر در شکل‌گیری فضاهای شهری مورد بحث قرار می‌گیرد. در قسمت بعدی نقش جهان‌بینی وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری ارائه می‌شود. در قسمت سوم دیدگاه‌های نظری تأثیر وقف در تشکل فضاهای شهری و فرآیند شهرآفرینی در سرزمین‌های اسلامی مطرح می‌گردد و در قسمت آخر بازتاب‌ها و الگوهای فضایی - کالبدی وقف در ساختار فضاهای شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی فضایی - کالبدی در سه محور ساختار شهری، توزیع فضایی و تراکم فضایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری فضاهای شهری

شهر و فضاهای شهری را می‌توان نتیجه کنش متقابل دو عامل انسان و محیط در چهارچوب زمان و مکان تعریف کرد. بر این اساس عوامل مؤثر در ایجاد شهر و فضاهای شهری، به دو دسته عوامل انسانی و عوامل محیط طبیعی که هر یک دارای موارد متعدد و متنوعی هستند طبقه‌بندی می‌شوند. نقش و تأثیر هر یک از این دو دسته عوامل در ایجاد فضاهای شهری در تمام مناطق و در همه زمان‌ها در طی تاریخ به یک شکل و یکسان نبوده، بلکه از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر و از یک دوره زمانی به دوره زمانی بعدی، به سبب صورت‌بندی اجتماعی و اقتصادی خاص هر دوران در زمینه‌های گوناگون محیطی متفاوت بوده است. به دلیل همین تمایزهای منطقه‌ای و ویژگی دوره‌های زمانی متفاوت است که انواع مختلف شهر و فضاهای شهری در طی تاریخ شکل گرفته‌اند.

در خصوص طبقه‌بندی عوامل مؤثر در شکل‌گیری فضاهای شهری، از سوی محققین مختلف طبقه‌بندی‌های زیادی ارائه شده که در هر یک از آنها با توجه به نظرات و دیدگاه‌های غالب، بر برخی عوامل به عنوان عوامل اصلی تأکید زیادی شده است (حبیبی، ۱۳۷۵). به طور کلی براساس برخی مطالعات تاریخی در خصوص سیر تحول شهر و شهرنشینی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تولید فضاهای شهری ایران را می‌توان در سه گروه عمده طبقه‌بندی کرد (Ehlers, 1980). این سه گروه عبارتند از:

اول- عامل جهان‌بینی یا چگونگی نگرش به جهان

در جهان تمام موجودات به شکلی با محیط پیرامون خود و سایر هم‌نوعان و دیگر موجودات در ارتباط و کنش متقابل هستند، ولی تنها در مورد انسان است که به لحاظ برخی خصیصه‌ها این ارتباط و کنش به چگونگی دیدن جهان نیز بستگی دارد. ارتباطات انسان با جهان و هستی، علاوه بر غرائز طبیعی، تحت تأثیر نحوه نگرش و جهان‌بینی او قرار دارد. تأثیر جهان‌بینی بر زندگی و فعالیت‌های انسان به قدری زیاد است که در هر ساختار، کارکرد و رفتار بشری می‌توان تأثیر آن را مشاهده نمود. " نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب [انسان] درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب [انسان] به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً «جهان‌بینی» نامیده می‌شود. هدف‌هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آنها دعوت می‌کند و راه و روش‌هایی که تعیین می‌کند و باید و نبایدهایی که انشاء می‌کند و مسؤولیت‌هایی که به وجود می‌آورد، همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی‌ایی است که عرضه داشته است" (مطهری، ۱۳۷۶، ۵).

این عامل از یکسو دین‌های الهی (مذهب‌ها، مسلک‌ها و فرقه‌ها) و از سوی دیگر ایدئولوژی‌های متفاوت اجتماعی و دیدگاه‌های برخاسته از آنها را شامل می‌گردد و تلاش می‌کند تا میزان تأثیر و تأثر آنها را در شکل بخشیدن به محیط و جهان نشان دهد. بنابراین جهان‌بینی برحسب اینکه منبع الهام آن، علم، فلسفه و یا دین باشد به سه گونه جهان‌بینی علمی، فلسفی و دینی تقسیم می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶، ۷).

در میان مصنوعات بشری بالاترین، پیچیده‌ترین و مهمترین مصنوعی که در واقع عصاره تلاش‌های انسانی در آن تجلی می‌یابد شهر است (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۶). از مباحث بسیار اساسی جهان‌بینی بررسی نقش جهان‌بینی، اعم از دین الهی و یا ایدئولوژی انسانی، روند تأثیرات آنها بر روح و روان انسان و اثرات و پیامدهای آن در شکل دهی و ساماندهی کارکردهای اصلی زندگی معنوی و مادی انسان و در نهایت بازتاب‌های همزمان آن در آفرینش دوزخ و فردوس است (مؤمنی، ۱۳۷۵، مقدمه). مطالعات متعدد در مقیاس جهانی نشان از تأثیر قطعی عامل جهان‌بینی در تکوین شهر و کانون زیستی دارد (Planhol, 1968). این امر بی‌تردید تنها به روزگاران کهن محدود نمی‌گردد. شکل‌گیری نوشهرهای متفاوت، بنا بر جهان‌بینی‌های متفاوت، در قرن اخیر نیز حاکی از تأثیر این عامل است. نقش قطعی این عامل زمانی روشن‌تر می‌شود که شهر چون تبلور کالبدی‌های جامعه‌ای که در آن می‌زید، جلوه می‌کند (حبیبی، ۱۳۷۵، ۳ و ۴). در بین انواع جهان‌بینی‌ها، جهان‌بینی حاکم و مسلط بر جامعه ایرانی که نقش اساسی در شکل‌دهی شهر و فضاهای شهری داشته، جهان‌بینی اسلامی است (Planhol, 1957).

دوم- عامل اقتصادی یا چگونگی تعریف جهان مادی

این عامل عمدتاً بر مبانی چگونگی تولید و توزیع ثروت، نحوه و مناسبات تولید، حرکت (گردش) کالا، توزیع و مصرف محصولات و رابطه آن با ساخت کالبدی نظر دارد. مطالعات بی‌شماری در مقیاس جهانی چه در قرن اخیر و چه در قرن گذشته تأکیدی عمده بر نقش این عامل در تکوین و توسعه شهر دارد. به طوری که برخی از محققین دیدگاه مادی‌گری (= اصالت ماده) تأثیر قطعی و تکوینی این عامل را حتی به "شهرگونه‌ها" و "شهرهای" روزگاران کهن نیز تعمیم می‌دهند و نه تنها شکل‌گیری آنها را منوط به این عامل می‌دانند، بلکه شکل‌های گوناگون شهر را ناشی از " شیوه‌های گوناگون اقتصاد" در دوره‌های تاریخی و کنونی می‌شناسند. این گروه از محققین، عامل جهان‌بینی را نه تأثیرگذار بلکه تأثیرپذیر از این عامل می‌دانند (عابدینی درکوش، ۱۳۶۴).

بر پایه بررسی‌های علمی درباره شهرها این نتیجه حاصل می‌شود که ایجاد و احداث تأسیسات عام‌المنفعه عمومی، به ویژه در محلات شهری، به روش‌های اجرایی و مدیریتی در زمینه احداث، در زمینه اداره و نگهداری و به انگیزه‌های قوی غیرمادی و اعتقادی نیاز دارد، تا انسانی را که در همه حال در جستجوی به حداکثر رساندن نفع فردی خود می‌باشد به سمت اختصاص بخشی از منافع خود در راه رفاه عمومی جامعه هدایت نماید.

سوم - عامل محیط زیست

این عامل، به طور کلی عناصر محیط زیست طبیعی را شامل می‌شود. عناصر محیط زیست طبیعی زمینه‌ساز شکل‌گیری کانون زیستی و شهر است. پژوهشگران بسیاری در جهان، شکل‌گیری شهرها در جهان را منوط به ترکیب مناسب این عناصر دانسته و معتقدند که بدون وجود این عناصر هیچ‌گونه شکل‌گیری کالبدی ممکن نبوده و نمی‌باشد (شکوئی، ۱۳۷۳). آنچه در رابطه با این عامل اهمیت دارد، نقش آن بر شکل‌گیری کالبدی شهرها و کانون‌های زیستی است که به صورت یک عامل محدودکننده ظاهر می‌شود، به گونه‌ای که فراتر از تأثیر متغیرهای مربوط به این عامل در عصر ماقبل صنعتی، هرگونه شهر و فضای شهری محکوم به فنا بوده است.

به طور کلی با توجه به شرایط اقلیمی و محیطی نسبتاً سخت فلات ایران نقش محدودکننده و فرساینده عوامل محیطی در شکل‌گیری فضاهای شهری ایران بسیار قوی است. محدودکننده و فرساینده بدین معنی است که بسیاری از فضاهای شهری که در طول تاریخ بدون توجه به عوامل اقلیمی و محیطی ایجاد شده‌اند، یا به مرور زمان از بین رفته‌اند و یا مجبور شدند خود را با شرایط محیط تطبیق دهند. بنابراین فضاهای شهری سنتی ایرانی فضاهایی همگن با محیط‌اند. سازگاری و همگنی فضاهای مصنوع شهری با شرایط محیطی، اصلی مهم در شکل‌گیری فضاهای شهری می‌باشد. از مهمترین موارد چگونگی سازگاری با شرایط محیطی در فضاهای شهری ایران می‌توان به دسترسی به آب، مقابله با تابش شدید خورشید، وزش باد، خشکی و گرمای هوا و در مجموع تعدیل شرایط محیطی اشاره نمود. به دلیل نقش تعیین‌کننده عوامل محیط زیست در شکل‌گیری فضاهای شهری است که، در عرصه مطالعات شهرسازی و معماری ایران بیش از سایر عوامل به پژوهش و تحقیق پیرامون آن پرداخته شده است (توسلی، ۱۳۶۰) (خیرآبادی، ۱۳۷۶).

نکته اساسی که در خصوص نقش عوامل جهان‌بینی، اقتصادی و محیطی در شکل‌گیری فضاهای شهری باید بدان توجه نمود، این است که کنش این سه مجموعه عوامل در تشکل فضاهای شهری به صورت مستقل و جدا از یکدیگر نبوده، بلکه اینها به صورت مجموعه‌های مشترک که تحت شرایط معینی

با یکدیگر دارای روابط متقابل هستند، بر یکدیگر تأثیر دارند. به عنوان مثال نقش عامل جهان‌بینی در ویژگی‌ها و مشخصات عامل اقتصادی و بالعکس و همچنین نقش عامل محیطی در شکل‌گیری جهان‌بینی و نگرش به جهان و نیز اقتصاد، آشکار و غیرقابل انکار است. در واقع تأثیرات متقابل این سه مجموعه عوامل بر روی یکدیگر است که در کل محصول نهایی آن شکل‌گیری فضاهای شهری می‌باشد.

در تاریخ شهر و شهرنشینی ایران برحسب نسبت و اهمیت یافتن و نقش مسلط هر یک از این سه دسته عوامل شاهد شکل‌گیری و تولید فضاهای شهری گوناگون و مختلفی هستیم. بی‌شک در بین این عوامل تأثیر عامل جهان‌بینی و ارزش‌های دینی و مذهبی بر ساخت و تولید فضاهای شهری به ویژه در دوره اسلامی بسیار تعیین‌کننده و مهم می‌باشد. به همین دلیل علی‌رغم گوناگونی و تنوع محیط‌های طبیعی (و از جمله اقلیمی) در ایران شاهد ساخت و سازمان فضایی مشابهی در شهرهای مختلف در طی تاریخ اسلامی هستیم. به همین دلیل یکی از ویژگی‌ها و صفاتی که برای شهرهایی که تحت حاکمیت و تسلط اسلام ایجاد شده و شکل گرفته‌اند برشمرده می‌شود، واژه اسلامی و شهر اسلامی است. این واژه به خوبی نقش فرهنگ و اعتقادات اسلامی در شکل‌گیری شهرها و فضاهای شهری در سرزمین‌های اسلامی را، در مقایسه با سایر ادیان و مذاهب، نشان می‌دهد (براند، ۱۳۷۷، ۴۹-۴۵).

در فرهنگ و معارف اسلامی روح مایه حیات و زندگی است و خداوند قرآن و وحی را روح نامیده است. این امر از این باب بوده که همچنان‌که روح مایه حیات جسدهای مرده است، قرآن و وحی روح و مایه حیات بخش زندگی امت اسلامی است. گروه‌ها و امت معتقد اسلامی در پدید آوردن فرهنگ معنوی و فرهنگ مادی (نظیر سکونتگاه‌ها و یا عناصر و ارکان سکونتگاه‌ها و چهره‌پردازی محیط طبیعی-زیستی) به شدت تحت تأثیر فرهنگ وحی و قرآن بوده، لذا طبیعتاً دستاوردهای معنوی و مادی آنها دارای ویژگی‌های متمایز و خاص خود است و دیگرگون از سایر فرهنگ‌ها می‌باشد. یکی از چشم‌اندازهای عینی و مادی فرهنگ اسلامی که بازتاب تجلیات روح و وحی اسلامی است آثار فضایی-کالبدی وقف هستند. این آثار موقوفه نشانه عالی‌ترین تجلیات روح انسان معتقد اسلامی است که منافع شخصی و فردی را در جهت سعادت جامعه و امت اسلامی صرف می‌نماید (مؤمنی، ۱۳۶۵، ۲۱-۱۹).

نقش جهان‌بینی وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری

وقف یکی از عمده‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی جهان اسلام است (الکبیس، ۱۳۶۴-۶۶). سنت وقف از ارزش‌های جهان‌بینی دینی و مذهبی است که نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری

ساخت فضایی شهرهای دوره اسلامی به ویژه شهرهای ایران داشته است. با نگاهی گذرا به سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران بسیاری از عناصر و اجزای شهری را که نقش عمده‌ای در عملکرد و حیات زندگی شهری دارند، می‌توان مشاهده نمود که عنصر وقف در آنها نقشی به سزا داشته است (آشتیانی، بی‌تا). بسیاری از تأسیسات زیربنایی و روبنایی در مجتمع‌های زیستی بدون اینکه حکومت‌ها وظیفه‌ای در ایجاد آنها احساس کنند توسط مردم ساخته می‌شدند. البته در مواردی دولتمردان نیز در احداث این‌گونه مجموعه‌های وقفی نقش ارجمندی در طول تاریخ ایران اسلامی داشته‌اند. بسیاری از شهرهای قدیمی که به تدریج شکل گرفته‌اند، اغلب از ایجاد محله‌های کوچک شروع شده و با افزایش جمعیت و توسعه بناها و اماکن به شهر تبدیل شده‌اند. این محله‌ها که از پیش طراحی نشده بودند، برای احداث و ایجاد مراکز و فضاهای خدماتی - عمومی در آنها هیچ‌گونه پیش‌بینی به عمل نیامده بود، در عین حال می‌بینیم که شهرهای سنتی و قدیمی ایران در نظام و ساختار محله‌ای از انسجام و پیوستگی قوی برخوردار بوده‌اند و تقریباً تمام خدمات و نیازهای شهری و محله‌ای به شکلی خود جوش و طبیعی در آنها ایجاد شده بود.

وقف علاوه بر اینکه از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری بوده، از نظر کالبدی در شکل و تولید فضاهای عمومی شهری اهمیت برجسته‌ای داشته است. به طوری که شهرها را نه تنها از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انسجام می‌بخشیده، بلکه از نظر کالبدی نوعی پیوستگی و وحدت فضایی بین مناطق و محلات مختلف شهر به وجود می‌آورده است. چگونه؟ اگر فضاهای عمومی و عام‌المنفعه که در ساختار شهرهای سنتی ایران تقریباً بسیاری از آنها از طریق وقف شکل گرفته‌اند را حذف کنیم، چیزی که باقی می‌ماند مجموعه‌ای از مساکن، مراکز تجاری و در کل فضاهای خصوصی هستند که از نظر مدنی به صورت پراکنده، گسسته و بی‌ربط خواهند بود. فضاهای عمومی شیرازه و عامل پیونددهنده مجموعه عناصر تشکیل دهنده شهر به یکدیگرند. از نظر کالبدی نقش وقف را می‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر نظیر مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب انبارها، سقاخانه‌ها، روشنایی معابر و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری و تولید کلان‌ترین فضاهای شهری نظیر بازارها و مجموعه‌های وقفی مشاهده و پیگیری نمود. در ساختار فضایی شهرهای تاریخی و سنتی ایران مالکیت غالب بناهای با عملکرد عمومی که عموماً هم جزء میراث فرهنگی و تاریخی جامعه اسلامی به شمار می‌روند وقفی است. علل ماندگاری موقوفات در بستر زمان را باید در نقش فرهنگ متعالی وقف جستجو کرد. در واقع وقف به مثابه یک هیأت تألیفی توانمند است که میان اجزاء آن همساز و الفت خاصی برقرار است. در مجموع اجزاء هدفمند این هیأت نه تنها ضامن بقای مالکیت موقوفه به نفع عموم

می‌شدند، بلکه در ضمن ارائه خدمات رایگان به افراد جامعه به طور مرتب و به مرور زمان خود را حفاظت و مرمت کرده و در نهایت آباد، پابرجا و استوار باقی مانده‌اند. کارآیی نهاد وقف موجب حضور موقوفات متنوع و عدیده‌ای در جامعه اسلامی گردید. امروز اکثر بناهای عمومی در بافت‌های فرهنگی و تاریخی مجتمع‌های زیستی ما وقفی هستند (قدیری، ۱۳۶۹، ص ۳۶).

دیدگاه‌های نظری تأثیر وقف در شکل فضاهای شهری و فرآیند شهرآفرینی در سرزمین‌های اسلامی با توجه به گستردگی و وسعت فرهنگی وقف در سرزمین‌های اسلامی (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲) و نقش با اهمیت این سنت دینی در شکل‌گیری شهر اسلامی، تاکنون تحقیقات زیادی از سوی شرق‌شناسان غربی و پژوهشگران ایرانی در این باره صورت گرفته است. به طور کلی نظر صاحب‌نظران وقف از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و شهری را می‌توان به چند دسته مهم تقسیم‌بندی نمود. پروفیسور «اکارت اهلرز» از جمله جغرافی‌دانان معاصر آلمانی است که با همکاری دانشجویان ایرانی خود تحقیقات ارزشمندی در زمینه وقف در سرزمین‌های اسلامی و به ویژه ایران انجام داده است. به عقیده پروفیسور اکارت اهلرز، نقش وقف در فرآیند شهرآفرینی سرزمین‌های اسلامی بسیار با اهمیت است و در دوران عثمانی و صفویه به اوج خود می‌رسد. وی اهمیت وقف در سرزمین‌های اسلامی را از سه جنبه مختلف مورد توجه قرار داده است (اهلرز، ۱۳۷۴، ۵۲-۵۰):

- از لحاظ اهمیت تکوینی و مکانی

- از لحاظ اهمیت اجتماعی-اقتصادی

- از لحاظ اهمیت سیاسی

در خصوص اهمیت تکوینی و مکانی وقف در شهرسازی و شکل‌گیری فضاهای شهری در تمدن شرق اسلامی اهلرز معتقد است: اگرچه سابقه وقف در اسلام به روزگار پیامبر (ص) می‌رسد، ولی جریان شهرآفرینی و شکل‌دهندگی شهری آن در مقیاس وسیع به دوران عثمانی و صفوی برمی‌گردد. تحقیقات انجام شده در این زمینه خصلت شهرآفرینی موقوفات را به طور قانع‌کننده‌ای نشان می‌دهند. در واقع رشد و بالندگی شهرها در قلمرو عثمانی و صفوی از قرن شانزدهم تا قرن هجدهم میلادی، بدون توجه به نهاد وقف تقریباً تصورناپذیر است. به عنوان مثال استانبول سده پانزدهم و شانزدهم میلادی، سیزده ناحیه داشت، که هر یک شامل چندین محله (مجموعاً ۲۱۹ محله) بود و مساجد هر یک از محلات را عواید موقوفات متنوع بزرگ و کوچک پشتیبانی و اداره می‌کرد (اهلرز، ۱۳۷۴، ۵۱).

در بخش اهمیت اقتصادی- اجتماعی وقف پروفیسور اهلرز چهار کارکرد اصلی را که به شهرهای شرق اسلامی نوعی برجستگی دینی و فرهنگی- تاریخی می‌بخشید بیان می‌کند:

(الف) تهیه و تدارک قسمت اعظم وظایف و مراسم دینی همیشگی و دیرینه جامعه در شهرها، از جمله سازماندهی، تقبل و تأمین تمام یا قسمتی از هزینه‌های جاری و تعمیرات و مرمت مساجد، حوزه‌های علمیه و حسینیه‌ها، برگزاری مراسم عزاداری و اعیاد و جشن‌های مذهبی و سایر مناسبت‌ها و رویدادهای دینی در ایام تعطیلات مذهبی از محل تخصیص عواید موقوفات.

(ب) کمک‌های گوناگون به فقرا، بینوایان، دانش‌آموزان و مدارس شهری و اداره و نگهداری برخی از بیمارستان‌ها. حمام‌ها، آب انبارها و انجام دادن سایر امور خیریه و عام‌المنفعه از محل عایدات موقوفات.

(ج) تأمین مسکن ارزان قیمت برای مردم نادر و واگذاری زمین‌های وقفی با اجاره طولانی مدت به مردم و اجاره مغازه‌ها و کارگاه‌ها (به صورت ارزان) و در برخی از کشورها، دریافت سرقفلی کمتر از مغازه‌ها و کارگاه‌ها برای مقاصد داد و ستد پیشه‌واری به خصوص در بازار.

(د) کارآفرینی: جمع‌زبانی از شاغلین به طور مستقیم در املاک، اماکن متبرکه، تأسیسات مستغلات بازرگانی و صنعتی و سازمان‌های اوقاف شهرها و کشورهای اسلامی به کار اشتغال دارند (اهلرز، ۱۳۷۴، ۵۲ و ۵۳).

در خصوص اهمیت سیاسی مقوله وقف پروفیسور اکارت اهلرز بر این اعتقاد است که موقوفات دینی بنابر ماهیت وقف، ابدی و دائمی و غیرقابل فروش و انتقال‌اند و منافع آنها در راه مقاصد خیر و برای کارکردها و مصالح جامعه مسلمانان معین شده‌اند. هرگاه پاره‌ای از موقوفات در طول تاریخ بنا به دلایلی به دست فراموشی سپرده شده و به تصرف خصوصی و یا تحت مالکیت عمومی درآمده‌اند، باز هم موقوفات دیگری جایگزین آنها شده و مقاصد آنها را برای قرن‌ها برآورده ساخته و ادامه داده‌اند. در چنین مواردی موقوفات یا رقبات موقوفه به خصوص املاک غیرمنقول چون مساجد، حوزه‌های علمیه، حمام‌های عمومی و بازارها، که کم و بیش دارای ساختار پایدار و دیرپایی هستند، ظاهراً در موارد زیادی به صورت موانع کالبدی در مقابل هرگونه نوگرایی یا دگرگونی‌های شهری قرار می‌گیرند. به همین علت موقوفات هنگامی ابعاد سیاسی جهانی به خود می‌گیرند که روزگاری در گذشته در چهارچوب سیاسی- دینی دیگر، تحت حکومت‌های اسلامی وقت، وقف مؤید شده‌اند، ولی اکنون با تغییر وضعیت سیاسی و سلطه حکومت‌های غیراسلامی بر آنها در مقابل نظام سلطه و نظام اجتماعی موجود همچون جسمی خارجی با بیگانه عمل می‌کنند (اهلرز، ۱۳۷۴، ۵۳).

باید در نظر داشت اگرچه بیشترین میراث شهرآفرینی وقف که اکنون در دسترس قرار دارد مربوط به دوره صفویه می‌باشد، ولی این فرآیند در طول تاریخ منحصر به این مقطع خاص از تاریخ ایران نبوده است. در واقع در تمام دوره های تاریخ اسلامی در سرزمین های اسلامی به شکلی فرآیند شهرآفرینی وقف وجود داشته است. از مهمترین این دوره ها می توان به دوره ایلخانان مغول اشاره کرد که دو مجموعه عظیم وقفی ربیع رشیدی و شب غازان ایجاد شدند ولی متأسفانه نتوانستند از گزند حوادث تاریخ خود را به سلامت برهانند و به زمان حاضر برسند. شاید یک دلیل پا برجایی موقوفات در دوره صفویه وبه ویژه پایتخت آن اصفهان، موقعیت مرکزی شهر اصفهان در فلات ایران و دوری نسبی آن از مرزهای پرآشوب شرقی، شمالی و غربی کشور بوده است، و گرنه در دوره های تاریخ اسلامی در قبل از صفویه موارد زیادی از فرآیند شهرآفرینی وجود داشته است. همچنین بعد از صفویه در دوره قاجار موارد فرآیند شهرآفرینی متعددی وجود دارد (مؤمنی، ۱۳۶۵، ۵۹-۱۱)، ولی به لحاظ اینکه توان مادی، سیاسی و حکومتی قاجاریه ضعیف تر بوده، ارزش های معماری و شهرسازی میراث وقفی قاجاریه کمتر از صفویه بوده است.

به عقیده برخی از محققین، عصر صفویه به ویژه دوران زندگی شاه عباس اول از دوران های طلایی وقف در ایران و اصفهان بوده است (شفقی، ۱۳۷۶، ۳۳).

اهمیت آثار وقفی در ساختار فضایی - کالبدی شهرهای کهن اسلامی به گونه ای است که می توان توسعه و گسترش این شهرها در دوره های مختلف تاریخی را با موقوفات آن مرتبط دانست. در شهر اصفهان، توسعه و گسترش شهر در دوره های مختلف تاریخی با موقوفات شهری بی ارتباط نیست، زیرا انسان های خیر در هر دورانی به ایجاد هسته های اولیه محلات نوین، یعنی مسجد، حمام، بازارچه، سقاخانه و غیره مبادرت کرده اند که نقش بسیار مهمی در توسعه شهر اصفهان داشته است. در این شهر، موقوفات مهم چون مسجد، کاروانسرا، مدرسه، حمام و بازارچه به صورت مجتمع در کنار یکدیگر و اغلب در بخش تجاری شهر قرار گرفته اند که معرف اندیشه های منطقی، اقتصادی و اصولی ساخت شهر در گذشته بوده است (شفقی، ۱۳۷۶، ۳۳).

همچنین می توان گفت شرایط اقتصادی - اجتماعی هر عصر، نقش مهمی در میزان موقوفات داشته و در واقع موقوفات هر عصر با ثروت آن دوره مربوط بوده است. به عنوان مثال شهر تاریخی اصفهان که در عصر امپراطوری قدرتمند سلاجقه و صفویه پایتخت بوده در این دوران دارای بیشترین آثار وقفی بوده است (شفقی، ۱۳۷۶، ۳۴). برخی از محققین بر نقش با اهمیت وقف در

شهرآفرینی و شکل دهی ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران به عنوان یکی از نیروهای فضاآفرین و چهره پرداز سیما و فضای کالبدی شهرها تأکید دارند (مؤمنی، ۱۳۶۵، ۲۶).

یکی از ویژگی‌های عمومی شهرسازی اسلامی بنیاد عملکردها و فعالیت‌های اساسی جامعه در ترکیب و ارتباط با یکدیگر در مرکز شهر است. بنیاد سه نهاد اصلی یعنی مسجد (جامع و مدرسه)، دستگاه اجراء و اداره حکومتی و بازار برای انجام فعالیت‌های دینی - فرهنگی و سیمای اجتماعی - اقتصادی در کنار هم و با هم به صورت یک مجموعه یکپارچه در مرکز شهر و جایگزینی محلات در کنار و در ارتباط با آنها ویژگی اساسی ساختار کالبدی شهرها در سرزمین‌های اسلامی است. دکتر مؤمنی معتقد است وقف به عنوان یکی از نیروهای فضاآفرین و چهره پرداز ساختار اصلی شهرهای ایران نقش مهمی در ایجاد و تشکل این ویژگی دارد. یکی از دلایلی که موجب شده این سه بنیاد اصلی شهر از نظر کالبدی پیوسته و هم بسته در مرکز قرار گیرند، وجود عامل وحدت بخش وقف در فرآیند تشکل و شکل گیری آنهاست (مؤمنی، ۱۳۶۵، ۲۶).

در واقع ویژگی‌های درونی و برونی کالبد عناصر اصلی شهرهای اسلامی نمایانگر چشمگیرترین، گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین پیوند میان پدیده‌های مادی و مراتب نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دینی جامعه با بازتاب‌های محتوای روحی انسانها در تحت تأثیر تعالیم اسلامی و سنت‌های آن از جمله وقف است. از جمله محققان و پژوهشگران غربی که درخصوص تأثیر وقف بر شکل گیری پدیده‌ها و عناصر شهری در سرزمین‌های اسلامی به ویژه سرزمین‌های غرب اسلامی مطالعات زیادی انجام داده «آندره ریمون» است. یکی از عوامل و عناصر فرهنگ اسلامی که برخاسته از اعتقادات دینی مسلمین می‌باشد و به اعتقاد ریمون تأثیر با اهمیتی بر شکل گیری آثار معماری و شهرسازی در سرزمین‌های غرب اسلامی داشته است سنت وقف می‌باشد. یکی از مشخصات اساسی شهرهای عربی در دوره‌های جدید، نقش مهمی است که دو نهاد اختصاصی اسلامی، وقف و نهاد قضایی که توسط قاضی اداره می‌شد، ایفا می‌کردند (ریمون، ۱۳۷۰، ۳۱).

«آندره ریمون» معتقد است از نهادهای شاخص اسلامی یعنی وقف یک موضوع قابل توجه در شکل دادن به سازمان قضایی شهر است. وقف که براساس نیتی زاهدانه برای تخصیص سرمایه‌های مردمی جهت هدفهای مذهبی، خیریه یا کارهای اجتماعی است، سرمایه‌ای است دائمی، غیرقابل خرید و فروش که فقط جهت انجام کارهای نیک از آنها استفاده می‌شود. ریمون در سرزمین‌های عربی - اسلامی دو نوع وقف تشخیص می‌دهد: نخست وقف عام که همه درآمد موقوفات کاملاً برای خیریه یا کارهای مفید عمومی صرف می‌شود. دوم وقف خاص که در آن ابتدا مقداری از درآمد

موقوفه بین واقف و پس از او به جانشینانی که او در سند (وقفنامه) معین کرده است و سپس در آخرین مرحله برای خیریه به مصرف می‌رسد. در نظر «آندره ریمون» برای دستیابی به اهداف هر دو نوع وقف، وقف عام (نگهداری و تعمیر بناهای مذهبی یا خیریه یا بنیادهای مفید عمومی) و وقف خاص (حمایت از دارایی خصوصی یا درآمدهایی که برای مؤسسات خیریه فراهم می‌شد) باید موقوفاتی در نظر گرفته می‌شد. یک وقف بزرگ غالباً شکل یک اقدام عظیم اجتماعی به خود می‌گرفت که معمولاً برای بقا آن تعدادی ساختمان تجاری (دکان‌ها، کاروانسراها، حمام‌های عمومی) در اختیار آن قرار می‌گرفت. درآمد این بناها به تحقق و اجرای اهدافی که در وقفنامه مشخص می‌شد، اختصاص می‌یافت. بنابراین ایجاد وقف بزرگ شهری در دوره‌های توسعه شهری غالباً به گسترش فعالیت‌های شهری کمک می‌کرد، زیرا که وقف یک چهارچوب قانونی و نیز دارایی لازم را برای آن فعالیت‌ها فراهم می‌آورد. از برکت وقف بود که توسعه شهری در شهر (مدینه) حلب در قرن شانزدهم م/د و در بخشی از جنوب قاهره در اواسط قرن هفدهم م/د یا زدهم هـ تحقق یافت (ریمون، ۱۳۷۰، ۳۲ و ۳۳).

اگرچه بیشتر مطالعات و تحقیقات در دسترس در زمینه وقف مربوط به سرزمین‌های شرق اسلامی می‌باشد، ولی باید اشاره نمود که وقف تنها مختص به یک بخش و منطقه خاص از تمدن اسلامی نبوده، بلکه در تمام قلمرو اسلامی چه در غرب و چه در شرق آثار وقف قابل مشاهده می‌باشد. یکی از مطالعات انجام یافته در خصوص وقف در تمدن غرب اسلامی و به ویژه شمال آفریقا مقاله «احمد قاسم» تحت عنوان «وقف در تونس در قرن‌های هیجدهم و نوزدهم» می‌باشد. در این مقاله «احمد قاسم» اطلاعات ارزشمندی در خصوص وقف در سرزمین‌های غرب اسلامی و حوزه دریای مدیترانه ارائه می‌دهد (احمد قاسم، ۱۹۹۵، ۵۵-۷). «احمد قاسم» در مقاله خود ابتدا به بحث اختلاف نظر دو مذهب حنفی به عنوان مذهب رسمی دولت عثمانی و مذهب مالکی که مذهب مردم تونس و شمال آفریقا است در مورد وقف می‌پردازد. از اهم اختلاف نظرهای دو مذهب مالکی و حنفی در خصوص وقف می‌توان به سخت‌تر بودن شرایط وقف از جمله شرط عدم بازگشت نیت واقف در مذهب مالکی اشاره کرد. به خاطر سخت‌تر بودن شرایط وقف در مذهب مالکی بیشترین واقفین به مذهب حنفی که دارای امتیازات و انعطاف‌هایی است روی می‌آوردند. به طوری که برخی واقفین به هنگام تنظیم وثیقه وقف شرط عدول را در آن پیش‌بینی می‌کردند.

«احمد قاسم» در مطالعات خود، نقش عوامل منطقه‌ای، محلی و بومی هر سرزمین و کشور را در تنوع آثار وقفی مهم می‌داند. وی در خصوص چگونگی وقف در تونس دو نوع وقف مطرح

می‌سازد، یکی تحت عنوان وقف‌های منقول که شامل انواعی از قبیل وقف حیوانات، اثاثیه منزل و وسایل و ابزار صنعتی نیز می‌شده است. نوع دیگر وقف منقول در تونس که متأثر از شرایط اقتصادی و تولیدی آن کشور بوده، وقف روغن زیتون تحت عنوان وقف "قله" بوده است. مردم دو شهر ساحلی المنستیر و سوسه در زمان وزن کردن روغن زیتون به هنگامی که مصادف با عصر و دوره پرمحصول زیتون بوده قطرات باقیمانده از زیتون را طبق واحد اندازه‌گیری "قله" محاسبه می‌کردند و صرف ساکنین شهر می‌نمودند.

نوع دیگر وقف در تونس وقف‌های غیرمنقول و املاک می‌باشد. یک نوع از وقف‌های غیرمنقول در تونس که قابل توجه می‌باشد وقف تأسیسات سواحل دریا و ماهیگیری بوده است. به عنوان مثال جهت حفظ و نگهداری ساحل مبالغی از محصولات کشاورزی شهر «جوبه» صرف ساخت تأسیسات ساحلی شهر شده بود (احمد قاسم، ۱۹۹۵، ۵۵-۷). در واقع مطالعات «احمد قاسم» نشان می‌دهد که ایجاد عناصر وقفی در سرزمین‌های اسلامی فقط در ساخت اماکن مذهبی، آموزشی، دکاکین و خدماتی خلاصه نمی‌شود، بلکه کلیه شئون با اهمیت جامعه اسلامی را با توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای هر سرزمین دربر می‌گیرد.

بازتاب‌ها و الگوهای فضایی - کالبدی وقف در ساختار فضاهای شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی فضایی - کالبدی

در قسمت قبل مهمترین دیدگاه‌های نظری در زمینه‌های تاریخی و جغرافیای وقف مطرح گردید. در این قسمت با الهام و بهره‌گیری از آن مطالعات، الگوهای فضایی - کالبدی وقف در ساختار و شکل فضاهای شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی فضایی - کالبدی بررسی می‌گردد.

بازتاب‌های فضایی - کالبدی وقف در ساختار شهری

اگر چه موقوفات اهداف نهایی تقریباً مشترکی دارند، ولی به شیوه‌ها و شکل‌های گوناگونی در جامعه بازتاب پیدا می‌کنند. با مطالعه منابع و اسناد مربوط به وقف می‌توان دهها مورد از امور جامعه را برشمرد که در جریان فعالیت، عملکرد و شکل‌گیری آنها، وقف نقش اساسی داشته است. با وجود تنوع و گستردگی بسیار، این زمینه‌ها را می‌توان به چند دسته کلی طبقه‌بندی نمود. برای مثال دکتر سیروس شفق موقوفات شهر اصفهان را به دو دسته مشخص تقسیم‌بندی می‌کند (شفقی، ۱۳۷۶، ۴۷-۳۲):

الف) موقوفاتی که مستقیماً جنبه عمرانی ندارند، بلکه کمکی است به انسان‌های محروم جامعه مانند ایتم، معلولان، پیران و زمین‌گیران، زندانیان، کمک و وام به تجار، تهیه بذرها، زراعی، تهیه

لوازم و ادوات کشاورزی، مصارف خیریه، هزینه دانشمندان، دانشجویان، طلاب، قربانی، ترک اعتیاد، مداوای بیماران، تشکیل خانواده، تهیه شیر بچه و ... در واقع، تمامی آنچه را یک جامعه روستایی و شهری در تأمین اجتماعی نیاز دارد شامل می‌شود. به همین دلیل شهرهایی که دارای موقوفات بیشتری هستند مانند شهر اصفهان در آنها نوعی تعادل اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و دارد.

ب) موقوفاتی که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارد، مانند: ایجاد بناهایی همچون مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، نوانخانه‌ها، آب انبارها و قنوات، حمام‌ها، پل‌ها، قبرستان‌ها، مسکن انسانی، خوابگاه‌های عمومی، تکایا، قسمتی از بازارهای شهر، غرس اشجار و سقاخانه‌ها و غیره.

نکته اساسی و مهمی که در خصوص این طبقه‌بندی لازم به اشاره می‌باشد، این است که بسیاری از اموری که در دسته اول طبقه‌بندی شده‌اند، در واقع فعالیت و عملکرد مؤسسات وقفی هستند که در محل‌ها و مکان‌هایی خاص انجام می‌شوند، که در بسیاری موارد آن محل‌ها و مکان‌ها خود نیز موقوفه هستند. لذا این نوع طبقه‌بندی امور وقف نمی‌تواند جامع و کامل باشد. آنچه که به عنوان وقف و موقوفه مورد نظر تحقیق حاضر می‌باشد اموری است که دارای بازتاب و تعیین کالبدی در جامعه است. بنابراین می‌توان جلوه‌ها و بازتاب‌های وقف در جامعه را به دو دسته: بازتاب‌های کالبدی و بازتاب‌های غیرکالبدی دسته‌بندی نمود. در گروه بازتاب‌های کالبدی علاوه بر فضاهای وقفی، فعالیت‌هایی که در آنها صورت می‌گیرد نیز مطرح است و در گروه بازتاب‌های غیرکالبدی اموری قرار می‌گیرند که نیازمند فضایی خاص و یا محل وقفی نیستند، مانند قربانی کردن و یا کمک جهت ازدواج.

الگوهای توزیع فضایی عناصر و فضاهای وقفی در ساختار شهری

نقش وقف در فرآیند شهرآفرینی که از نظر کلان فضای شهری دارای اهمیت بسیار است، در شکل‌گیری و تولید اجزاء و عناصر شهری از کوچکترین عناصر گرفته، مانند: سقاخانه‌ها تا بزرگترین عناصر از قبیل مساجد و مراکز تجاری و خرید نیز دیده می‌شود. جدای از ویژگی‌های کالبدی و معماری عناصر وقفی که نقش اساسی در عملکردها و فعالیت‌های شهری دارند، توزیع فضایی و پراکندگی انواع مختلف عناصر وقفی نیز نه تنها در تشدید و تسهیل عملکردهای وقفی مهم می‌باشد، بلکه در ساختار فضایی شهر نقش مهمی ایفا می‌نمایند. به عنوان مثال گاهی اوقات در برخی مناطق و محله‌های شهری عناصر کالبدی وقفی زیادی متمرکز می‌شوند به گونه‌ای که در یک مکان، محله و ناحیه خاص چند عنصر وقفی چه به صورت مجزا و مستقل و چه به صورت یک

مجموعه به هم پیوسته و واحد استقرار می‌یابند: استقرار متمرکز و بهم پیوسته تعدادی عناصر وقفی موجب شکل‌گیری مرکزیت‌ها، مجموعه‌های کالبدی و فضاهای عمومی می‌گردد که در حول آن فضاهای شهری انسجام می‌یابد. به طور کلی اجزاء و عناصر وقفی در ساختار فضایی - کالبدی شهر از نظر توزیع فضایی به الگوهای متنوعی تقسیم‌بندی می‌شوند. برحسب عامل تمرکز و پراکندگی چند نوع الگوی فضایی استقرار عناصر وقفی در ساختار فضایی - کالبدی شهرها می‌توان شناسایی کرد:

الف) الگوی پراکنده: در این نوع الگو عناصر و عملکردهای وقفی بدون هیچ‌گونه وابستگی عملکردی و فضایی به یکدیگر به صورت طبیعی و آزاد در سطح شهر پراکنده‌اند. از مهمترین عناصر وقفی که بدین صورت در سطح شهر پراکنده هستند می‌توان به مساجد و سایر مراکز مذهبی اشاره نمود که تقریباً در تمام محلات و مناطق مختلف شهر یافت می‌شوند.

ب) الگوی متمرکز: در این نوع الگو عناصر و عملکردهای وقفی سطح شهر در یک نقطه، محل و منطقه خاص به عنوان مثال مرکز شهر استقرار می‌یابند و از نظر فضایی و عملکردی ارتباط و پیوستگی زیادی بین آنها وجود دارد. از مهمترین نمونه‌های این نوع الگوی استقرار عناصر وقفی می‌توان به مجموعه‌های میدان نقش جهان اصفهان و مجموعه گنجعلی‌خان کرمان و همچنین مجموعه‌های ربع رشیدی و شنب‌غازان تبریز در دوره ایلخانان اشاره کرد.

ج) الگوی متمرکز پراکنده: در این نوع الگو عناصر و عملکردهای وقفی در عین حالی که متمرکز هستند و به صورت یک مجموعه به هم پیوسته عمل می‌کند ولی این تمرکز تنها در یک نقطه و منطقه خاص از شهر نیست، بلکه در مناطق و محل‌های مختلفی در سطح شهر پراکنده هستند. بسیاری از مراکز محلات قدیمی و سنتی در شهرهای تاریخی ایران را می‌توان بازتاب‌ها و جلوه‌هایی از این نوع الگوی توزیع فضایی دانست که تعدادی عنصر و عملکرد وقفی به صورت یک مجموعه متمرکز یک مرکز محله را شکل می‌دهند. دکتر سیروس شفقی در رابطه با این الگو در مورد موقوفات شهر اصفهان می‌نویسد (شفقی، ۱۳۷۶، ۴۷-۳۲):

پراکندگی جغرافیایی بناهای وقفی از یک نظام عقلایی و اقتصادی کاملاً تکامل یافته تبعیت می‌کند، به طوری که یک موقوفه با چند رقبه، مانند مسجد، مدرسه، کاروانسرا، بازار، حمام و غیره در جوار هم قرار دارند، تشکیل یک هسته و مجموعه هم بسته وقفی را می‌دهند. مکان‌یابی این هسته‌ها و مجموعه‌های وقفی چنان نظم کالبدی و فضایی ارزنده‌ای را به فضاهای شهری می‌بخشیده که هم اکنون برخی از آثار به جای مانده از آنها مورد استفاده شهرسازی جدید قرار گرفته است، یکی از جلوه‌های بارز این‌گونه هسته‌ها و مراکز وقفی در ساختار کالبدی و فضایی محلات شهری به وضوح دیده می‌شود. مطالعات انجام شده بر روی سابقه و قدمت محلات شهر اصفهان نشان

می‌دهد که در حال حاضر حدود ۱۵۷ محله و کوی کوچک و بزرگ با اسامی باستانی وجود دارد که تاریخ پیدایش آنها اغلب روشن و مشخص است. از تعداد ۱۵۷ محله اصفهان، ۳۱ محله به نام شخصیت‌های معروف نام‌گذاری شده است و اغلب آنها اسامی واقفان را بر خود دارند. البته منظور وقف تمام محله نیست، بلکه تنها هسته‌های اصلی و مرکز محلات، که مساجد، حمام‌ها، بازارچه و گاهی حسینیه، کاروانسراها و سقاخانه‌ها و چاه آب تشکیل دهنده آن است و معمولاً اشخاص خیر و توانگر این بناها را می‌ساختند و آنها را وقف می‌نمودند و از درآمد واحدهای اقتصادی چون حمام، بازارچه و کاروانسرا مخارج حفظ و نگهداری همین بناها را تأمین می‌کردند و حتی اسم خود را بر روی همین محلات می‌گذاشتند.

د) الگوی پراکنده متمرکز: در این نوع الگو در عین حالی که عناصر و عملکردهای وقفی در سطح شهر پراکنده هستند، ولی در برخی نقاط و مناطق تراکم و تعداد آنها بیشتر از سایر بخشها و مناطق است. تفاوتی که این نوع الگو متمرکز پراکنده دارد، این است که در الگوی متمرکز پراکنده عناصر و عملکردهای متمرکز در نقاط مختلف شهر به صورت یک مجموعه به هم پیوسته و حتی یک مدیریت واحد شکل می‌گیرند، در حالی که در الگوی پراکنده متمرکز عناصری که در یک نقطه و محل متمرکز هستند به صورت یک مجموعه کالبدی به هم پیوسته نیستند و در زمانهای مختلف توسط افراد مختلف ایجاد شده‌اند.

تراکم فضاهای وقفی در بخش‌های مختلف ساختار شهری

جدای از توزیع فضایی و پراکندگی عناصر و عملکردهای وقفی در ساختار فضایی شهر، از نظر تراکم و تعداد عناصر وقفی بین بخش‌های مختلف شهرها نیز تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. یکی از بارزترین آنها، تفاوت میان مناطق قدیمی و سنتی شهر با مناطق جدید و توسعه‌های اخیر از نظر تعداد عناصر وقفی در آنها است. دکتر سیروس شفقی در این خصوص به تفاوت تراکم عناصر و عملکردهای وقفی در بخش‌های مختلف شهر اصفهان اشاره می‌کند. وی در این باره می‌گوید: " بررسی پراکندگی جغرافیایی موقوفات مهم شهر اصفهان، حاکی از این موضوع مهم است که بافت‌ها و محلات قدیمی شهر دارای موقوفات بیشتری هستند، یعنی به نسبت قدمت محلات بر تعداد موقوفات افزوده می‌شود، ولی بافت‌های جدید شهری، موقوفات کمتری دارند، ضمناً بخش بازار اصفهان دارای تراکم موقوفات بیشتری است که اغلب آنها را مراکز مذهبی مانند مساجد، مدارس، امام زاده‌ها، مقبره‌ها و تکایا تشکیل می‌دهند. بخش جنوبی شهر به واسطه سکونت آرامنه در آن از عصر صفویه (شاه عباس اول، ۱۰۰۵ ه. ق) مسکونی شده، دارای موقوفات کمتری است" (شفقی، ۱۳۷۶، ۴۷-۳۲). در بیان دلایل اینکه چرا تعداد موقوفات در محلات سنتی بیشتر از محلات

جدید است، عامل زمان و قدمت محله از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا هر چه قدمت و عمر محله و منطقه مورد نظر بیشتر باشد به طور طبیعی در طی زمان عناصر وقفی بیشتری می‌توانسته در آن ایجاد شود. ولی نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره نمود این است که اگر چه عامل زمان در نظر اول در تمایز تعداد و تراکم عناصر وقفی بین محلات قدیم و جدید مهم می‌باشد، ولی فقط بر روی عامل زمان نمی‌توان تأکید کرد، بلکه عوامل دیگری نظیر تضعیف سنت وقف در شهرسازی معاصر و عدم اختصاص جایگاه مناسبی در برنامه‌ریزی‌های شهری جدید، نیز مهم هستند.

منابع و مآخذ

۱. آشتیانی (محقق)، آیت اله میرزا محمد باقر، ترجمه جمعی از فضلاء حوزه علمیه تهران (بدون تاریخ)؛ مالکیت و بهره برداری از زمین از دیدگاه اسلام، انتشارات کتابخانه مدرسه چهل ستون مسجد طهران، چاپ پایا- کرج.
۲. الکیسی، محمد عبید، ترجمه احمد صادقی گلدر (۱۳۶۶-۱۳۶۴)؛ احکام وقف در شریعت اسلام، فقهی- حقوقی- قضایی، ۲ جلد، انتشارات اداره کل حج و اوقاف.
۳. اهلرز، آکارت، ترجمه عباس سعیدی (۱۹۸۰)؛ ایران- شهر- روستا- عشایر، مجموعه مقالات، نشر منشی، ص ۲۰۱-۱۶۵.
۴. اهلرز، آکارت، ترجمه و نگارش مصطفی مؤمنی و محمدحسین ضیاء توانا؛ موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه، تابستان ۱۳۷۴، شماره ۱۰.
۵. توسلی، محمود (۱۳۶۰)؛ ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک، ایران، بی نا، چاپ چهارم.
۶. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)؛ از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. خیرآبادی، مسعود، ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت ا... مافی (۱۳۷۶)؛ شهرهای ایران، انتشارات نشر نیکا.
۸. ربیون، آندره، ترجمه حسین سلطانزاده (۱۳۷۰)؛ شهرهای بزرگ عربی- اسلامی در قرن‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری، انتشارات مترجم.
۹. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۶)؛ بینش اسلامی و مناظر جغرافیایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶، پاییز.
۱۰. شفیق، سیروس (۱۳۷۶)؛ وقف در اصفهان: پراکندگی جغرافیایی موقوفات و آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، فصلنامه وقف میراث جاویدان، انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه، پائیز و زمستان، شماره‌های ۱۹ و ۲۰.
۱۱. شکوتی، حسین (۱۳۷۳)؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
۱۲. عابدینی درکوش، سعید (۱۳۶۴)؛ درآمدی به اقتصاد شهری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۱۳. قاسم، احمد (۱۹۹۵)؛ الوقف فی تونس فی القرنین الثامن عشر و التاسع عشر، الوقف فی العالم الاسلامی، المهد الفرنسي للدراسات العربیه، دمشق.
۱۴. قدیری، بهرام (۱۳۶۹)؛ احیاء فرهنگ وقف با هدف تسهیل زندگی در مجتمع‌های زیستی، فصلنامه صفا، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تابستان، شماره اول.
۱۵. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۲)؛ زمین در فقه اسلامی، ناشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۲ جلد.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، جلد دوم، انتشارات صدرا، چاپ دهم.
۱۷. مؤمنی، مصطفی (۱۳۷۵)؛ اهمیت کمی و کیفی موقوفات در اقتصاد و سازمان فضایی جامعه در شهر نفت تانکون، گزارش پژوهشی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. مؤمنی، مصطفی (۱۳۶۵)؛ ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر دولت آباد ملایر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، پائیز، شماره ۲.
۱۹. هیلن براند، رابرت، ترجمه ایرج اعتصام (۱۳۷۷)؛ معماری اسلامی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

20. Ehlers, Eckart (1980); *Iran, Grundzuge e, geograph, Landeskunde- Darmstadt*. ISBN 3-534-06211-6.

21. Planhol, Xavier de (1968); *Les fondements geographiques de l' histoire de l' Islam*, flammariion, Paris.

22. Planhol, Xavier, de (1957); *Le mode Islamique: Essai de Geographie Religieuse*. Paris, 1957, p.U.F.